

واکاوی مستندات حدیثی شیعه درباره محل و نحوه ولادت امام علی (ع)

قاسم بستانی^۱

دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۸، پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۹، صفحه ۱۷۳ تا ۱۹۴ (مقاله پژوهشی)

چکیده

در خصوص محل و نحوه تولد امام علی (ع) مشهوراتی نزد شیعه وجود دارد؛ مانند تولد ایشان در کعبه، یا کنار رفتن دیوار کعبه و ورود مادر ایشان به داخل کعبه از آن محل. خاستگاه همه این باورها روایات است. براین پایه، جا دارد پرسیده شود مستندات حدیثی شیعه در این باره کدام اند. نیز، با توجه به این که می‌دانیم روایات در طول تاریخ دچار آسیب‌هایی شده‌اند، باید بررسییم این روایات از جنبه سندی و متنی از چه درجه اعتباری برخوردار اند. در این مطالعه می‌خواهیم روایات مربوط به ولادت علی (ع) در کعبه را از منابع حدیثی شیعه گردآوری، و از حیث سند و متن بررسی کنیم تا پاسخی برای پرسش‌های یادشده بیابیم. می‌خواهیم تحریهای مختلف از حکایت ولادت علی (ع) را بازشناسی کنیم و دریابیم از میان آن‌ها کدام یک پذیرفتنی‌ترین گزارش درباره ولادت ایشان است.

کلیدواژه‌ها: مولد علی (ع)، ولادت علی (ع)، کعبه، اثبات الوصیة، القاب الرسول وعترته.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

درآمد

شخصیت امام علی (ع) نزد مسلمانان، خاصه شیعیان، از جایگاه و اعتبار والایی برخوردار است. شیعیان افزون بر توجه ویژه‌ای که نسبت به افکار و کردار ایشان هم‌چون برجسته‌ترین صحابی، و امام و جانشین برحق پیامبر (ص) دارند، جزئیات زندگی ایشان را هم از تولد تا شهادت با اهتمام بازمی‌کاوند. از میان این جزئیات محل و نحوه تولد ایشان از دیرباز موضوع بحث بوده است.

گفته‌اند شیعیان بر تولد امام (ع) در کعبه اجماع دارند (نک: شریف رضی، ۱۴۰۶ق، ۳۹؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ۵/۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵ق، ۶/۱۹؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ۱/۵۶). به نظر می‌رسد این قول در میان عامه مسلمانان هم دیدگاهی مشهور است (نک: کنجی، ۱۳۶۲ش، ۴۰۷؛ سبط ابن جوزی، ۱۴۰۱ق، ۲۰؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲ق، ۱/۱۷۱؛ حلبی، ۱۴۰۰ق، ۱/۲۲۶). حتی حاکم نیشابوری از تواتر اخبار در این‌باره می‌گوید (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۳/۴۸۳).

از دیرباز تألیفاتی هم با هدف گردآوری اخبار مربوط به ولادت علی (ع) پدید آمده است. از جمله، می‌توان مولد امیرالمؤمنین (ع) از ابومخنف، ف لوط بن یحیی (د ۱۵۷ق) را یاد کرد (برای نفی انتساب اثر به ابومخنف، نک: پاکتچی، ۱۳۸۲ش، ۱۴). از دیگر آثار متقدمان در این زمینه باید مولد امیرالمؤمنین (ع) ابوالختری وهب بن وهب قرشی (د ۲۰۰ق)، مولد علی (ع) از شاذان بن علاء (د ۳۰۲ق)، مولد علی (ع) از عثمان بن احمد (د ۳۲۴ق)، مولد علی (ع) از محمد بن همام اسکافی (د ۳۳۶ق)، و مولد امیرالمؤمنین (ع) از ابن بابویه (د ۳۸۱ق) را یاد کرد.

جریان تألیف آثار در این زمینه در سده‌های بعد نیز امتداد می‌یابد. از دیگر تألیفات با همین هدف باید جزء فی مولد علی (ع) از ابن شاذان قمی (د ۴۶۰ق)، مولد علی (ع) از ابوالعلاء محمد بن سهل همدانی (د ۵۶۹ق)، مولد الامام علی بن ابی طالب (ع) از ابوالحسن احمد بن عبدالله بکری (د ۹۵۲ق)، و مولد علی بن ابی طالب (ع) از عبدالله بن حسن سبختری (د ۱۳۵۳ق) را یاد کرد.

معاصران هم در این‌باره آثاری پدید آورده‌اند. از آن جمله است آثاری به زبان عربی هم‌چون فی مولد الامام علی بن ابی طالب (ع) از مهدی حائری و دیگران، علی ولید الکعبه از

محمدعلی اردوبادی (د ۱۳۸۰ق). از جمله آثار در این باره به دیگر زبان‌ها نیز باید مولود کعبه تألیف علی نقی نقوی ل کهن □ وی (د ۱۴۰۸ق) به زبان اردو، و علی (ع) مولود کعبه تألیف محمود فاضل به زبان فارسی را یاد کرد. این‌ها همه غیر از آثار متعددی است که ابوابی گسترده را به گردآوری روایات مرتبط با بحث اختصاص داده‌اند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۷-۱۰/۳۵؛ امینی، ۲۳-۲۱؛ مرعشی، بی تا، ۷/۴۸۶-۴۹۱).

در غالب تألیفات یادشده معاصران عملاً ذیل عنوان مولد علی (ع) بحث درباره زندگی آن حضرت یا نقد روایات متعارض با ولادت علی (ع) در کعبه با رویکردی درون‌دینی و کلامی دنبال شده است. از جمله معدود کوشش‌های معاصران با التزام به شیوه‌های مطالعه تاریخی نیز باید *ولید الکعبه* اثر محمدرضا حسینی جلالی، و *مولد امیر المؤمنین: نصوص مستخرجه من التراث الاسلامی* اثر احمد پاکتچی را یاد کرد (نک: منابع). این دو کوشیده‌اند کهن‌ترین منابع درباره ولادت علی (ع) در کعبه را بازسازی و احیاء کنند.

طرح مسئله

جزئیات داستان ولادت علی (ع) در روایات مختلف متفاوت است. برخی از این روایات طولانی‌اند و بیش‌تر مطالب آن‌ها ارتباطی با نحوه ولادت امام ندارند. نیز، کمابیش مشتمل بر مطالبی غلوآمیز، مخالف نقل‌های مشهور و غرائب و عجائب‌اند؛ مطالبی مانند نزول جبرئیل بر پیامبر (ص)، *قرآن خواندن*، *اذان گفتن* و *شهادت دادن* علی (ع) بر بعثت پیامبر اکرم (ص) پیش از بعثت ایشان.

به طبع وجود چنین مندرجاتی در ضمن حکایات ولادت علی (ع) در کعبه می‌توانند موجب تضعیف این روایت‌ها در ارزیابی‌های محدثانه شوند (نک: باقلانی، ۱۴۰۷ق، ۲۰۲؛ امام‌الحرمین جوینی، بی تا، ۲/۲۹۶، ۲۹۸؛ نیز نک: بستانی، ۱۳۸۶ش، ۱۲۶ به بعد). از دیگرسو، همیشه می‌توان احتمال داد حکایتی اصیل در مسیر انتقالش به نسل‌های آینده دچار آسیب‌هایی مثل وقوع زیادت و تحریف شود. این امر مقتضی است مطالعه‌ای برای بازشناسی روایات مختلف درباره محل و نحوه تولد امام (ع) و اعتبارسنجی سند و متن آن‌ها به انجام رسند.

مطالعه پیش‌رو با همین هدف صورت می‌گیرد. می‌خواهیم بدانیم که اولاً، نقل‌های مختلف

حاکمی از ولادت علی (ع) در کعبه چه تمایزاتی با هم دارند؛ ثانیاً، در مقام ارزیابی اعتبار تاریخی هر یک از این نقل‌ها چه ملاحظاتی شایان توجه است؛ و ثالثاً، از میان این گزارش‌ها کدام یک از نگاه مورخانه پذیرفتنی‌تر است.

۱. روایات خالی از اشاره به محل ولادت

روایت‌ها درباره ولادت علی (ع) در کعبه را می‌توان به دو دسته تفکیک نمود: آن‌ها که به محل وقوع این رویداد اشاره نمی‌کنند و باید حمل بر ولادت آن حضرت به شیوه همه دیگر کودکان هم‌عصر ایشان شوند؛ و آن‌ها که به ولادت علی (ع) در کعبه تصریح دارند. اکنون در گام نخست بنا داریم روایات دسته نخست را مرور کنیم.

الف) خبر اثبات الوصیه

قدیم‌ترین روایت از این دست، روایت *اثبات الوصیه* منسوب به علی بن حسین مسعودی (د ۳۴۶ق)، صاحب *مروج الذهب* است. در این روایت که طولانی و مشتمل بر غرائب بسیاری است گفته می‌شود فاطمه بنت اسد در ۱۰ ذی‌الحجه و ایام حج به علی (ع) باردار بود و در نیمه رمضان حمل گذاشت (*اثبات الوصیه*، ۱۳۸). این روایت سخنی از محل تولد ندارد.

برخی بر پایه شواهدی هم‌چون اختلاف روش تاریخ‌نگاری مسعودی در *مروج الذهب* و مقایسه محتوایی *مروج* با *اثبات الوصیه* معتقدند *اثبات الوصیه* تألیف مسعودی نمی‌تواند باشد. آن‌ها احتمال می‌دهند شیعی متهم به غلو ابن ابی‌عزافر شلمغانی (م: ۳۲۲ق)، یا فرد ناشناخته‌ای به نام علی بن حبشی مؤلف این اثر باشد (برای تفصیل، نک: جعفریان، ۱۳۹۳ش، ۲۵۲، ۳۶۷؛ قاریان، ۱۳۹۴ش، سراسر مقاله).

در آثار کهن رجالی شیعه از مسعودی و آثارش یاد شده (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۵۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق، ۲۸۲) و با این حال، سخنی در مدح و ذم یا تصریح به مذهب وی گفته نشده است. عالمان متأخر عامه بر پایه آثار مسعودی به گرایش‌های شیعی او حکم کرده‌اند (برای نمونه، نک: بغدادی، بی تا، ۱/ ۶۷۹). با این حال، عالمان متأخرتر شیعی برای شناخت مذهب او منبع دیگری جز منابع کهن یادشده نداشته‌اند (نک: نمازی، ۱۴۱۲ق، ۵/ ۳۵۲؛ امین، بی تا، ۱/ ۱۵۷، ۱۶۰). به هر روی، مؤلف *اثبات الوصیه* هر که باشد، محتوای آن به دیدگاه شیعه بسیار نزدیک است.

بر پایه سند مندرج در این اثر (نک: اثبات الوصیة، ۱۳۴) مؤلف آن از عبدالله بن محمد بن غیاث، از رجاء بن سهل صاغانی، از وهب بن مَنبَه قُرشی، از امام صادق (ع)، از پدرشان این حکایت را روایت کرده است. با این حال، با نظر در متن می‌توان دریافت راوی امام صادق (ع) است و احتمالاً انتساب روایت به پدر ایشان باید افزوده‌ای نادرست باشد.

از میان این راویان عبدالله بن محمد شناخته نیست. ابونصر رجاء بن سهل صاغانی (د ۲۶۰ق) نیز در منابع شیعی یاد نشده است؛ اما برخی از عالمان حدیث عامه او را ثقه (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۸/ ۲۴۶) و در برابر برخی هم سارق حدیث (ذهبی، بی تا، ۲/ ۴۶؛ ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ۲/ ۴۵۶) دانسته‌اند. وهب بن منبه قُرشی نیز شخصیتی ناشناخته است. با نظر به طبقه‌اش احتمال تصحیف او با وهب بن منبه یمانی (د ۱۱۴ق) تابعی مشهور (برای وی، نک: ذهبی، بی تا، ۴/ ۳۵۲-۳۵۳؛ نیز نک: ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۸/ ۱) منتفی است.

پاکتچی (۱۳۸۲ش، ۲۷) معتقد است وهب بن منبه قُرشی تصحیف نام ابوالبختری وهب بن وهب قُرشی (د ۲۰۰ق) صاحب مولد/امیر المؤمنین است که ذکرش رفت. ابوالبختری را در منابع رجالی به سختی تضعیف کرده، و از وضاعان شمرده‌اند (نک: کشی، ۱۴۰۴ق، ۲/ ۵۹۸-۵۹۷؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۱۰۰-۱۰۱؛ نجاشی، ۴۳۰؛ نیز، برای بازتاب همین اقوال در منابع رجالی عامه، نک: ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱/ ۴۷، ۱۴۱، ۲۳۷؛ ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ۶/ ۲۳۱-۲۳۴).

راوی دیگر یعنی رجاء بن سهل از عالمان موثق حدیث عامه در بغداد است (برای وی، نک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۸/ ۴۱۰). در طریق شیخ طوسی (۱۴۱۷ق، ۲۵۷) به روایت فوق نام سهل بن رجاء صناعانی جایگزین شده، و با این حال پاکتچی (۱۳۸۲ش، ۲۸) ضبط رجاء بن سهل را ترجیح داده است. از قول دارقطنی گفته‌اند استادش حاکم نیشابوری سهل بن رجاء را به سبب انفرادش در نقل اخباری غریب از عالمان بزرگ تضعیف می‌کرده است (نک: ذهبی، ۱۴۱۸ق، ۱/ ۴۵۲). با این حال، احتمال وقوع تصحیف در اصل این گزارش نیز منتفی نیست (قس: دارقطنی، ۱۴۰۴ق، ۲۱۹).

ب) روایت خصیبی

روایت دوم از حسین بن حمدان خصیبی (د ۳۵۸ق) است. خصیبی را بسیار ضعیف، غالی و فاسدالمذهب و یکی از رهبران علویان نَصیری شناسانده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۶۷؛ ابن

غضائری، ۱۴۲۲ق، ۵۴). باین حال، برخی معاصران او را شیعی و موثق، و تضعیف قدما را صرفاً به این سبب دانسته‌اند که در روایات وی نقل غرائب فراوان دیده می‌شود (امین، بی تا، ۵/ ۴۹۰-۴۹۱؛ نمازی، ۱۴۱۲ق، ۳/ ۱۲۱-۱۲۳).

از جمله همین غرائب وی خبری است که دربارهٔ ولادت علی (ع) نقل می‌کند. در بخشی از این خبر طولانی می‌خوانیم روزی سلمان فارسی، م □ آفداد، ابوذر، عمّار، ح □ ذُیْفَه بن یمان، ابوه □ یثم مالک بن تیهان، خ □ زُیْمَه بن ثابت و ابوط □ فیل عامر بن وائله بر پیامبر (ص) وارد شدند و گفتند از مردم دربارهٔ برادر و پسر عموی پیامبر (ص) چیزهای ناراحت کننده‌ای شنیده‌اند. سپس اجازه خواستند پاسخ آن سخنان را بدهند. در این هنگام پیامبر (ص) خاطراتی را از تولد علی (ع) یاد کرد. فرمود من جوایای حال فاطمه بنت اسد شدم که دیدم دچار درد زایمان شده است و زنان قابله او را در احاطه کرده‌اند. جبرئیل به من وحی کرد که به او نگاه نکنم و صبر کنم؛ چون پس از به دنیا آمدن نوزاد او را در آغوش خواهم گرفت. اندکی بعد جبرئیل به من دستور داد که دستانم را به سوی مادر دراز کنم. این گونه، خوش‌یمنی نصیب من شد. وقتی دستانم را دراز کردم، ناگهان علی در آن‌ها جای گرفت. علی (ع) در این هنگام دست راستش را بر گوش راستش گذاشته، اذان می‌گفت، حنفیت را برپا می‌داشت و به وحدانیت خداوند و رسالتش شهادت می‌داد... (خصیبی، ۱۹۹۱م، ۹۶، ۹۸-۱۰۱).

خصیبی این خبر را به وساطت محمد بن یحیی فارسی از محمد بن جمهور قمی، از عبدالله کرخی، از علی بن م □ هَران اهوازی، از محمد بن ص □ دَقَه، از محمد بن سنان زاهری، از مُضَلَّ بن عمر ج □ عَفی، از امام صادق (ع)، از پدرش امام باقر (ع) ذکر می‌کند. از میان این راویان ابن جمهور سخت ضعیف و غالی (بروجردی، ۱۴۱۰ق، ۱/ ۳۴۵)، علی بن مهران و عبدالله کرخی مجهول، و محمد بن صدّقه از اصحاب امام رضا (ع) امّا ضعیف و غالی (شیخ طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۶۶) توصیف شده‌اند. در توثیق زاهری و مُضَلَّ هم سخت اختلاف است (کشی، ۱۴۰۴ق، ۲/ ۶۱۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۷ق، ۳۹۳).

شبیبه به این خبر را فتال نیشابوری (د ۵۰۸ق) به نحو مرسل از م □ جَاهِد بن جَبْر (د ۱۰۴ق) تابعی مشهور، و او هم از یک راوی ناشناخته به نام ابوعمر، و او هم از ابوسعید خ □ دُرّی (د ۸۰ق) صحابی سرشناس نقل می‌کند. در نقل وی داستان چنین روایت شده است که: «نزد پیامبر

(ص) نشسته بودیم. ناگاه سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود و ابوظفیل عامر بن وائله وارد شدند...» (فتال، بی تا، ۸۲-۸۳). افزون بر این که خبر مرسل است و ابو عمر نیز شناخته نیست، نقل مجاهد از ابوسعید خدری نیز مرسل و غیر قابل اعتماد است (علانی، ۱۴۰۷ق، ۲۷۳). افزون بر فتال نیشابوری، شاذان بن جبرئیل قمی — از عالمان امامیه در سدهٔ ۶ق — نیز شبیه خبر خصیبی را با همان تعداد صحابه اما مرسل نقل می کند (شاذان، ۱۹۶۳م، ۱۲۶-۱۲۸). به نظر می رسد این هر دو نقل، تحریرهای متفاوتی از همان روایت خصیبی باشند.

تعداد صحابه نزد خصیبی ۸ تن و نزد فالتال ۵ تن است. همهٔ این صحابه شخصیت‌هایی مشهور اند که انتظار می رود انگیزه برای نقل از ایشان در میان طیف گسترده‌ای از مسلمانان وجود داشته باشد. با وجود این، خبر فقط از یک طریق نزد خصیبی، و بدون سند نزد شاذان و فالتال یافت شده است.

پ) روایت فتال

روایت سوم را باز فتال نیشابوری (د ۵۰۸ق) در ضمن حدیثی طولانی و سرشار از غرائب از جابر بن عبدالله انصاری (ح ۷۰ق) نقل می کند. در این روایت آمده است جابر از پیامبر (ص) دربارهٔ تولد علی (ع) می پرسد و ایشان می فرماید علی (ع) به سنت مسیح — با خفای بارداری و حاضر شدن حوریان و زنان مقدس نزد مادرش — به دنیا آمد. در ادامه توضیح داده می شود پیش از آن که علی (ع) در رحم مادر جای گیرد، مرد عابدی به نام «مثرم بن رعیب بن شیقنام» زندگی می کرد که آرزو داشت وکی خدا را ببیند....

در ادامهٔ همین روایت، بقیهٔ حکایت به نقل از ابوطالب روایت می شود: وقتی یک سوم شب گذشت، فاطمه دچار درد زایمان شد. ابوطالب بر او نامی که در آن نجات بود خواند و زن آرام گرفت. سپس ابوطالب خواست بیرون برود و از دیگر زنان یاری بخواهد؛ اما صدایی از گوشهٔ خانه او را بازداشت که «دست پلید ولی خدا را نمی گیرد». سپس ابوطالب ناگهان چهار زن — حوا، آسیه، مادر موسی و مریم (س) — را دید که با جامه‌هایی از حریر سفید بر تن و بوی خوش و سیدی از نقره وارد شده، بر فاطمه سلام کرده، در برابر او نشستند. این گونه، فاطمه تا زمان زایمان علی (ع) به آن‌ها مانوس بود (فتال، بی تا، ۷۷-۸۱).

فتال این خبر را کاملاً مرسل و بدون ذکر هیچ راوی یا منبعی نقل می کند. اندکی بعد محمد بن

محمد ش □ عیری از عالمان شیعی سده ۶ق به سند خود از ابن بابویه (د ۳۸۱ق)، از یک راوی ناشناس به نام یحیی بن احمد بن یحیی، از عبدالعزیز بن عبدالصمد (د ۱۸۷ق) از مسلم بن خالد مکی (د ۱۸۰ق)، از جابر بن عبدالله انصاری همین روایت را با اختلافاتی نقل می‌کند. از جمله اختلافات یکی این است که در نقل شعیری سخنی از مثرم و آمدن چهار زن دیده نمی‌شود؛ بلکه سخن از دیگر زنان مکی است که ابوطالب همراه خود برای یاری همسرش فاطمه می‌آورد (شعیری، بی تا، ۵۸-۵۹). به هر حال، در این خبر نیز تصریحی به محل ولادت نمی‌شود.

حدود یک سده بعد ابن طاووس (د ۶۶۴ق) همین خبر شعیری را با دو سند ذکر می‌کند. برپایه سند نخست، ابن طاووس از محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی، از حسین بن عطاء، از شاذان بن علاء، از یحیی بن ابی‌یحیی، از عبدالعزیز بن عبدالصمد، از مسلم بن خالد مکی، از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده است. ابن طاووس تصریح می‌کند که ابن بابویه نیز در کتاب *مولد علی (ع) بالبیت* با همین طریق روایت را نقل کرده است (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق، ۱۹۱-۱۹۲). از این رو، پاکتچی (۱۳۸۲ش، ۶۱-۶۲، ۷۰) معتقد است این خبر ابن طاووس در اصل همانی است که ابن بابویه در کتابش با نام *مولد علی (ع)* روایت می‌کند و البته، به جای حسین بن عطاء از حسن بن علی عدوی نام می‌برد. پاکتچی معتقد است که در کتاب *الیقین* ابن طاووس حسن بن علی ع □ دوی به حسین بن عطاء تحریف شده است؛ زیرا طالقانی از عدوی بسیار روایت می‌کند. او می‌افزاید که در این کتاب *جامع الاخبار* شعیری نیز، یحیی بن ابی‌یحیی میان شاذان و عبدالعزیز قرار گرفته، که در مقایسه با سند ابوالعلاء معلوم می‌شود درج نام وی این‌جا زائد است (پاکتچی، ۱۳۸۲ش، ۶۲).

سند دیگر ابن طاووس قدری متفاوت است. برپایه آن، ابن طاووس از شیوخ خود از ابوالعلاء حسن بن احمد عطار (د ۵۶۹ق)، از احمد بن محمد فارسی، از فاروق خطابی، از حجّاج بن منهل، از حسن بن عمران ق □ سری، از شاذان بن علاء، از عبدالعزیز بن عبدالصمد، از مسلم بن خالد مکی، از ابوالزبیر، از جابر این داستان را نقل می‌کند (نک: ابن طاووس، ۱۴۱۳ق، ۴۸۵-۴۸۶). وی با آن که همین روایت را می‌آورد، اشاره‌ای به ابن بابویه و کتابش ندارد. پاکتچی (۱۳۸۲ش، ۹۲، ۹۸) این اسناد را اسناد ابن طاووس به *مولد امیر المؤمنین (ع)* ابوالعلاء عطار، و خبر ذیل آن را نیز خبری مستقل می‌شناساند.

شبیهِ همین خبر را گرچه با تفاوت‌ها و اضافاتی شاذان بن جبرئیل قمی در اواخر سدهٔ ۶ ق نیز نقل کرده است. اسناد او هیچ تمایز جدی با سند دوم ابن طاووس ندارد؛ جز آن که به جای مسلم بن خالد مکی فردی سالم نام را در سند گنجانده، و به جای درج کنبهٔ ابوالزبیر از نام خالد بن سری استفاده کرده است. در ضمن متن روایت هم نام عابدی که در تحریر فتال «مثرم بن رعیب» درج شده بود، «مثرم بن زعیب شیقبان» می‌آورد (شاذان، ۱۹۶۲م، ۵۴-۵۹).

در منابع متأخر شیعه شبیه همین خبر از محمد بن یوسف کنجی محدث شافعی (د ۶۵۸ق) نیز نقل شده است. اختلافات جزئی نام‌ها در اسناد کنجی را باید به حساب تصحیف در نام‌ها گذاشت (قس: کنجی، ۱۳۶۲ش، ۴۰۵-۴۰۷؛ امینی، ۱۹۷۷م، ۷/۳۴۷؛ مرعشی، بی‌تا، ۷/۴۸۶). در این تحریر از عابد به نام مبرم بن دعیب بن شیقبان یاد، و در پایان خبر هم گفته شده است که ابوطالب بیرون آمد و گفت: «ای مردم! در کعبه ولی‌الله متولد شد».

۲. روایات حاکی از تولد علی (ع) در کعبه

شماری از روایات نیز چنان که گفته شد بر ولادت علی (ع) داخل خود کعبه دلالت می‌کنند. این روایات‌ها خود نیز دو دسته‌اند؛ روایاتی که در آن‌ها سخن از ورود فاطمه بنت اسد از شکاف دیوار به داخل کعبه می‌رود، و روایاتی که در آن‌ها گفته می‌شود مادر امام علی (ع) از در وارد کعبه شده است.

الف) حکایات متضمن شکافت کعبه در منابع سدهٔ ۴ق

دو روایت از روایات حاکی از ولادت علی (ع) در کعبه را می‌توان در منابع بازمانده از سدهٔ ۴ق پی‌جویی کرد. نخستین روایت همانی است که در کتاب *القاب الرسول و عترته* از نویسنده‌ای ناشناخته و زنده در سدهٔ چهارم نقل می‌شود. مؤلف اثر به نحوی مرسل و بدون ذکر هیچ سندی از ابن عباس خبری مشتمل بر غرائب نقل می‌کند که برپایهٔ آن، فاطمه بنت اسد مشغول طواف بود، از خدا خواست ولادت فرزندش را که از آیات الهی است بر او آسان کند، و ناگهان دیوار کعبه شکافت و با ورود فاطمه به آن دوباره بسته شد. در ادامه نیز می‌گوید که هیچ کس نتوانست از آن شکاف یا درب کعبه وارد شود، فاطمه در کعبه سه روز ماند، و این ماجرا موجب شگفتی مکیان شد (نویسندهٔ ناشناخته، ۱۴۰۶ق، ۱۹). فقدان سند موجب می‌شود راه بر هر گونه

تحلیل رجالی این روایت بسته باشد.

دومین روایت را ابن بابویه (د ۳۸۱ق) نقل می‌کند. این روایت نیز مشتمل بر غرائب است. در آن از فردی ناشناخته به نام یزید بن ق□□ عن□□ اب□□ نقل می‌شود که وی همراه عباس و گروهی از طایفه بنی‌العزّی در مقابل کعبه نشسته بودند. آن‌ها دیدند فاطمه بنت اسد که نه‌ماهه باردار بود و از درد زایمان می‌نالید، پیش آمد و در برابر کعبه اظهار داشت به خدا، پیامبران و کتاب‌های آسمانی و سخن ابراهیم جدّش که کعبه را ساخت ایمان دارد. سپس خدا را به حقّ سازنده کعبه و فرزندی که در شکم داشت سوگند داد که زایمانش را آسان کند. ناگهان دیوار کعبه از طرف پشت دریش باز شد، فاطمه وارد و از چشم‌ها پنهان گشت، و دیوار نیز به هم آمد. راوی می‌گوید که تلاش کردیم قفل را بگشاییم و نشد؛ و این‌گونه دریافتیم حادثه به خواست خداوند بوده است. برپایه این روایت، فاطمه پس از چهارمین روز در حالی علی (ع) را در دستان گرفته بود بیرون آمد (ابن بابویه، ۱۴۱۷ق، ۱۹۴-۱۹۵؛ همو، ۱۹۶۶م، ۱/ ۱۳۵-۱۳۶؛ همو، ۱۳۶۱ش، ۶۲-۶۳؛ برای نقل حکایت از ابن بابویه با اختلافاتی جزئی، نک: ابن رستم، ۱۴۲۹ق، ۲۶-۲۷؛ فت□□ ال، بی‌تا، ۷۶-۷۷).

بیش‌تر واسطه‌های ابن بابویه در نقل این خبر اشخاصی مجهول، مهمل، ضعیف یا مختلف‌فیه اند. از جمله، درباره شیخ ابن بابویه علی بن احمد دقاق تنها می‌دانیم که ابن بابویه از وی با تعبیر «رضی الله عنه» کرده است (خویی، ۱۹۹۲م، ۱۲/ ۲۷۹؛ برای دلالت‌های ترضّی، نک: حسن‌نیا، ۱۳۸۵ش، سراسر اثر). شیخ دقاق، محمد بن جعفر اسدی (د ۳۱۲ق) یک راوی ناشناخته با گرایش‌هایی غالبانه است (نک: مهروش، ۱۳۸۸ش، ۱۸۷-۱۹۱). او هم از موسی بن عمران نخعی، و او هم از حسین بن یزید بن□□ و فلی روایت می‌کند که باز راویانی ناشناخته اند (نک: نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۸؛ خویی، ۱۹۹۲م، ۷/ ۱۲۲). راویان حلقه‌های پیش‌تر، یعنی محمد بن س□□ نان (د ۲۲۰ق) و مفضّل بن عمر جعفی (د ۱۶۰ق) را نیز قدما تضعیف و متأخران توثیق کرده‌اند (به ترتیب نک: نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۲۸، ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۸۷، ۹۲؛ قس: خویی، ۱۹۹۲م، ۱۷/ ۱۴۸، ۱۹/ ۳۱۷-۳۳۰؛ نمازی، ۱۴۱۲ق، ۷/ ۱۲۱).

ب) حکایت شیخ طوسی

حکایتی دیگر نیز هست که شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) از عالم امامی معاصرش محمد بن احمد ابن

شاذان (د ۴۶۰ق) روایت می‌کند. برپایه نقل شیخ طوسی، این حکایت را ابن شاذان با سه اسناد مختلف به روایت از عائشه، عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر اکرم (ص) یا امامان شیعه (ع) در اختیار داشته است. مضمون این حکایت همان خبر ابن بابویه است که با تفصیلاتی بیشتر و تعبیری متفاوت نقل می‌شود. از جمله، در آن گفته می‌شود فاطمه سه روز در کعبه ماند و وقتی بیرون آمد گفت با ولادت فرزندش در کعبه بر همه زنان جهان از جمله آسیه و مریم (س) برتری یافته، سه روز میوه‌های بهشتی خورده، و نام فرزند را هم با ندای خداوند — که من علی اعلی هستم... — برگزیده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۳ق، ۷۰۶-۷۰۷).

روایت منتسب به عائشه را شیخ طوسی به وساطت ابن شاذان به نقل از احمد بن محمد بن ایوب، از عمر بن حسن، از عبدالله بن محمد، از ابوحبیب، از سفیان بن عیینة (د ۱۹۸ق)، از ابن شهاب زهري (۵۸-۱۲۴ق)، از عائشه (د ح ۵۸ق) آورده است. پاکتچی (۱۳۸۲ش، ۱۲۹ق) این طریق را به عنوان سند ابن شاذان در جزء علی (ع) یاد می‌کند. به طبع عائشه خود نمی‌توانسته شاهد ماجرا باشد. روایت زهري از عائشه نیز مرسل است. احمد بن محمد بن ایوب و عمر بن حسن نیز ناشناخته اند. نام‌هایی هم‌چون عبدالله بن محمد و ابوحبیب نیز در آن طبقات میان ده‌ها تن مشترک اند و در میان این شمار گسترده از راویان نیز، نمی‌توان اثری از شاگردی عبدالله بن محمد نزد ابوحبیب یا شاگردی ابوحبیب نزد سفیان بن عیینة یافت. افزون بر این‌ها همه، بعید به نظر می‌رسد شخصیتی هم‌چون عائشه چنین روایتی را درباره علی (ع) نقل کند.

روایت منتسب به عباس (د ۳۲ق) را شیخ طوسی از ابن شاذان، از سهل بن احمد، از احمد بن عمر ربیعی، از زکریا بن یحیی ساجی (د ۳۰۷ق)، از ابوداوود سجستانی، (د ۲۷۵ق)، از شعبه بن حجاج (د ۱۶۰ق)، از قتادة بن دعامة (د ۱۱۷ق)، از انس (د ۹۲ق)، از عباس بن عبدالمطلب می‌آورد. این اسناد با توجه به تاریخ وفات ابوداوود سجستانی و شعبه بن حجاج منقطع است و چه بسا نام بیش از یک راوی از سند افتاده — و به اصطلاح عالمان حدیث، روایت «معضل» شده — باشد. در سخن از رجال آن هم باید گفت سهل بن احمد اگر همان دیباجی (د ۳۸۵ق) باشد، نزد برخی توثیق (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۱۸۶) و نزد برخی تضعیف شده است (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۶۷). احمد بن عمر ربیعی ناشناخته است. از زکریا ساجی به بعد نیز جملگی از محدثان عامی مذهب اند. متن روایت نیز آشفتگی‌هایی دارد. از جمله، گرچه در ظاهر انس از عباس نقل می‌کند، عباراتی

حاکمی از نقش مستقیم انس در نقل داستان دارند. گاه نیز در میانه‌های داستان می‌بینیم که انس مطالبی را هم از قول یزید بن قعبن نقل می‌کند؛ امری که باز با نقل حکایت از عباس ناسازگار است.

برپایه سومین روایت، همین مضمون از ابن شاذان، از ابراهیم بن علی، به اسناد وی از امام صادق (ع)، از پدرانش (ع) نقل شده است. این طریق نیز در حکم مرسل و ضعیف است. ابراهیم بن علی، مشترک میان چند نفر است (نک: خویی، ۱۹۹۲م، ۱/ ۲۳۸-۲۳۹؛ نمازی، ۱۴۱۲ق، ۱/ ۱۷۷-۱۷۹). شخصی در میان معاصران یا طبقه مشایخ ابن شاذان با نام ابراهیم بن علی شناخته نیست که بتوان وی را با ابن شاذان مربوط کرد. طریق ابن شاذان به امام صادق (ع) نیز معلوم نیست؛ زیرا شیخ طوسی در نقل این طریق متفرد است. این احتمال نیز که شیخ طوسی خود رجالی از سند را به قصد اختصار سقط کرده باشد مقبول نیست؛ زیرا این طریق مشهور و شناخته نیست که بتوان به اختصار از آن یاد کرد. سرآخر، اگر ابراهیم بن علی فردی با کتابی مشهور بود می‌شد انتظار داشته باشیم این طریق یا طریق شیخ طوسی به اثر وی در منابع مختلف یاد شوند. حکایت‌کننده داستان هم در این روایت مبهم است و نقل آن با بیانی مبهم به عموم بنی‌هاشم نسبت داده می‌شود.

پ) روایات متضمن ورود به کعبه از درب آن

در منابع شیعه پنج خبر مشتمل بر این امر دیده می‌شود. نخستین خبر در کتاب *اثبات الوصیة* مندرج است. در این کتاب در خبری تهی از غرائب می‌خوانیم فاطمه داشت کعبه را طواف می‌کرد که دچار درد زایمان شد. پس وارد کعبه شده، فرزندش را در سن ۲۸ یا ۳۰ سالگی پیامبر (ص) به دنیا آورد (نک: *اثبات الوصیة*، ۱۳۳).

خبر دوم در کتاب *القاب الرسول و عترته* از نویسندگانی ناشناخته از سده ۴ق دیده می‌شود. برپایه این روایت، به نحوی مرسل از امام صادق (ع) خبری مشتمل بر غرائب نقل می‌شود. بر پایه آن فاطمه بنت اسد خود می‌گوید که در ماه آخر بارداری، هنگام سومین طواف خانه، دچار درد زایمان شده است. پیامبر (ص) در این هنگام به سوی او رفته، حالش را می‌پرسد و به او می‌گوید که هفت دور طواف را تمام کند و اگر از درد نتوانست ادامه دهد به داخل کعبه رود. فاطمه در دور هفتم از درد بی‌تاب وارد کعبه می‌شود و علی (ع) را به دنیا می‌آورد. در ادامه گفته می‌شود که فاطمه می‌شنود که علی (ع) در بدو ولادت خدا را تسبیح می‌گوید و نوری از او به آسمان

ساطع می‌شود. وی سه روز در آنجا می‌ماند و از میوه‌های بهشتی می‌خورد. نیز، هاتفی را می‌شنود که به او می‌گوید نام مولود را علی بگذارد. آن هاتف در ادامه می‌گوید «او علی است؛ من هم علی اعلی هستم. او امام پس از حبیب محمد (ص)، و ولی من است. نامش را هم از نام گرفته‌ام...» (نویسنده ناشناخته، ۱۴۰۶ق، ۱۷-۱۹).

سومین روایت از محمد بن علی کراچکی (د ۴۴۹ق) از علمای امامیه و از شاگردان شریف مرتضی است. وی در روایتی کاملاً مرسل، بدون ذکر نام راوی خود می‌گوید فاطمه بنت اسد بنا بر عادتش وارد کعبه می‌شود که درد زایمان او را فرامی‌گیرد و علی (ع) را درون کعبه به دنیا می‌آورد. نیز، می‌افزاید این رویداد در نیمه رمضان و در سی سالگی پیامبر (ص) رخ داده است (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ۱۱۶).

به نظر می‌آید این خبر، ترکیبی از دو خبر مستقل مندرج در *اثبات الوصیه* است که پیش‌تر ذکر شدند. این روایت با قول مشهور مبنی بر تولد امام علی (ع) در ۱۳ رجب متناقض است. به هر روی، محتوای آن خالی از غرائب است. تنها عبارت مبهم آن تصریح به ورود فاطمه بنت اسد به کعبه «بر طبق عادت او» است؛ زیرا بعید به نظر می‌رسد ورود به کعبه برای عبادت از عادات رایج مردم در دوره پیش از اسلام بوده باشد. شاید منظور، ورود او به خود مسجدالحرام است؛ نه کعبه.

خبر چهارم را ابن مغزلی (د ۴۸۳ق) فقیه شافعی در کتاب *المناقب* روایت می‌کند. در این خبر که تهی از غرائب و عجائب است از امام زین‌العابدین (ع) نقل می‌شود که در زمان حیات پدرش امام حسین (ع) و به اتفاق وی به زیارت قبر پیامبر (ص) رفته بود. در این هنگام، زنی پیش آمد و امام زین‌العابدین (ع) نام او را پرسید. وقتی زن خود را معرفی کرد امام از او خواست اگر مطلب خاصی دارد او را از آن آگاه کند. آن زن در پاسخ امام نقل کرد مادرش ام عماره بنت عبادت برای او حکایت کرده است که روزی در میان زنان بوده، و ابوطالب را اندوهگین دیده است. وقتی مادرم از ابوطالب حال پرسیده، او پاسخ داده فاطمه دچار درد زایمان شدیدی است. در این هنگام محمد (ص) آمده، ابوطالب و فاطمه را با خود همراه کرده، فاطمه را به درون کعبه برده، آن‌جا نشانده، و به او گفته است: به نام الله بنشین. این‌گونه، فاطمه فریادی از درد کشیده، و نوزادی شادمان و تمیز و بسیار زیبا به دنیا آورده است. ابوطالب نیز نوزاد را علی نامیده، و پیامبر

(ص) او را در آغوش گرفته، و تا خانه ابوطالب حمل کرده است. برپایه روایت، وقتی سخن زن به اینجا رسید امام زین‌العابدین (ع) فرمود: «به خدا سوگند این بهترین سخنی است که در این باره شنیده‌ام» (ابن مغزلی، ۱۳۶۶ش، ۵۰-۵۱؛ برای نقل گسترده آن در منابع شیعی، نک: ابن بطریق، ۱۴۰۷ق، ۲۸-۲۹؛ ابن طاووس، ۱۳۷۱ق، ۱۶-۱۷؛ اربلی، ۱۹۸۷م، ۱/ ۶۰-۶۱). در سند این روایت، عمر بن احمد ساجی توثیق نشده است (مسلمی، ۲۰۰۱م، ۲/ ۴۷۶). نیز، دو راوی ناشناخته به نام یحیی بن حسن و محمد بن سعید دارمی نیز جای گرفته‌اند.

پنجمین خبر را فتال نیشابوری (د ۵۰۸ق) روایت کرده است. برپایه نقل مرسل وی محمد بن فضیل دورقی، از ابو حمزه ثمالی، از امام زین‌العابدین (ع) نقل می‌کند که فرمودند: فاطمه بنت اسد حین طواف دچار درد زایمان شد، سپس داخل کعبه رفت و علی (ع) را به دنیا آورد (فتال، بی تا، ۸۱-۸۲). این خبر تهی از غرائب است. محتوای آن هم بسیار نزدیک به خبر قبلی است.

۳. مطالعه تطبیقی روایات

اکنون وقت آن رسیده است که با مرور مضمون روایات و مقایسه محتوای هر یک با دیگری برای ارزیابی آن‌ها و بازشناسی تصویری دقیق‌تر از آنچه حکایت می‌کنند کوشش کنیم.

الف) تحریرهای مختلف روایت فتال

دیدیم خبر فتال را شعیری، ابن طاووس، شاذان بن جبرئیل قمی و محمد بن یوسف کنجی با اسنادهایی مختلف روایت کرده‌اند. چنان‌که گفتیم، یک احتمال آن است که برخی اختلاف‌ها در اسناد نتیجه تصحیف باشد. باین‌حال، ترتیب ذکر رجال در اسنادهای مختلف خبر — که بنا بر فرض پیش باید با هم تطابقی اکثری داشته باشند — تناسب ندارد و تحریرهای مختلف نسبت به هم دارای کمی، زیادی، جابه‌جایی و اختلاف در نام‌ها هستند و روایت به اصطلاح مضطرب است.

افزون بر این، طرق متعدد این خبر هر یک دارای اشکالاتی است. برای نمونه، برخی چهره‌های مشترک در اسانید مختلف خبر هم‌چون ابوالعلاء، فارسی و عمر بن روق خ خطابی در کتب رجالی متقدم یاد نشده، متفرد به نقل همین روایت، و مجهول اند. ابن طاووس (۱۴۱۳ق، ۴۸۵) به جای نام عمر بن روق نام فاروق خطابی را در اسناد آورده، که باز شخصیتی ناشناخته است. راوی دیگری به نام حسین بن عطاء نیز در آثار شیعی یاد نشده، نزد محدثان عامه سخت تضعیف و صاحب

مناکیر شناخته شده است (نک: ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱ق، ۳/ ۶۱). راوی دیگر، یحیی بن ابی یحیی با آن که در معدود روایات شیعیان و عامه مسلمانان اسمش دیده می شود، مجهول است (نک: ذهبی، بی تا، ۴/ ۴۱۴؛ نیز نک: نمازی، ۸/ ۱۸۸).

نام مشترک دیگر، حسن بن علی عدوی نیز، اگر بزوف □ ری باشد سخت تضعیف شده است (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۵۴-۵۵) و اگر ابوسعید بصری (د ۳۱۹ق) باشد نزد شیعه مجهول (خویی، ۱۹۹۲م، ۶/ ۳۷)، و نزد عامه به شدت ضعیف، کذاب، وضاع، سارق حدیث و متروک الحدیث است (ذهبی، بی تا، ۱/ ۵۰۶) خویی هشدار می دهد که با توجه به اختلاف طبقة صاحبان این دو نام، نباید آن دو نام را متعلق به یک راوی دانست: اولی به یک واسطه از امام صادق (ع) نقل می کند و دوّمی شیخ یکی از شیوخ ابن قولویه (د ۳۶۹ق) است (خویی، ۱۹۹۲م، ۶/ ۳۷). این گونه، باید محتمل دانست حسن بن علی عدوی که پاکتچی معتقد بود در کتاب *اللیقین* ابن طاووس نامش به حسین بن عطاء تحریف شده (نک: بخش ۱ - پ) همین ابوسعید بصری است.

حلقه مشترک این اسناد، عبدالعزیز بن عبدالصمد است که نامش در هر سه سند دیده می شود. نام مسلم بن خالد نیز در دو سند آمده است و اگر فرض کنیم سالم در سند شاذان تصحیف همان مسلم است، مسلم بن خالد نیز یک حلقه مشترک دیگر خواهد بود. چنان که کنجی می گوید این مسلم بن خالد شیخ شافعی است (کنجی، ۱۳۶۲ش، ۴۰۷). براین پایه، باید حکم کرد مروج این روایت یا عبدالعزیز است یا مسلم؛ چنان که کنجی نیز پس از یادکرد روایت آن را از تفردات مسلم بن خالد از عبدالعزیز دانسته (همان جا)، و ظاهراً مرادش تضعیف سند به سبب این تفرد است.

درباره متن روایت فتال نیز، باید گفت که در آن محلّ تولد علی (ع) غیر کعبه ذکر شده است و امکان جمع آن با اخبار دال بر تولد وی در کعبه نیست. مجلسی تصریح می کند که جمع میان این خبر با اخبار حاکی از ولادت امام (ع) در کعبه مشکل است (مجلسی، ۱۹۸۳م، ۳۵/ ۱۶). البته در برخی از تحریرهای آن - هم چون روایت کنجی - به تلویح از کعبه یاد می شود؛ اما چون در آن تصریحی به رفتن به درون کعبه نشده، اضطراب متن فزونی گرفته است. نکته دیگر این که در منابع مختلف از فردی به نام مثرم بن رعیب شیقبام یا مثرم بن زغیب شیقبان یا مبرم بن رعیب شیقبان هم چون راوی و گزارش گر حاضر در صحنه یاد می شود؛ اما معلوم نیست چرا در منابع تاریخ اسلام هیچ اشاره ای به این شخصیت را نمی توان دید؛ شخصیتی که چنین خبر مهمی را

روایت می‌کند و انتظار می‌رود نامش در منابع متقدم تاریخ اسلام ثبت شود. افزون بر این‌ها همه، اسنادهای سه‌گانه این خبر همه به جابر بن عبدالله ختم می‌شود؛ حال آن که انتظار می‌رود موضوعی به این بزرگی و شگفت‌انگیزی که در ملا عام رخ داده است راویان متعددی داشته باشد (نک: بستانی، ۱۳۸۶ش، ۲۳۷ به بعد).

ب) تحریر ابن بابویه و شیخ طوسی از خبر یزید

خبر یزید بن قعنّب که گفتیم ابن بابویه و شیخ طوسی دو تحریر مختلف از آن را روایت می‌کنند، در آثار این دو چنان نقل شده است که گویی هر یک در نقل آن متفرد اند. این در حالی است که دو خبر شباهت‌های بسیار دارند و به احتمال زیاد از یک اصل اند. ابن یزید بن قعنّب که در هر دو تحریر نامش ذکر می‌شود باید به طبع از طبقه صحابه باشد؛ اما نامی و شرح حالی از او در جایی نیست و در طریق روایت دیگری نیز نیامده است. مجهول بودن راوی موجب ضعف روایت است.

در سند تحریر ابن بابویه و سه سند تحریر شیخ طوسی نام شخصیت‌های مشهوری از عالمان عامه مسلمانان را می‌توان دید؛ شخصیت‌هایی هم‌چون عائشه، انس بن مالک، قتاده بن دعامة، ابن شهاب زهري، شعبة بن حجاج، و ابوداود سجستانی. این‌گونه، انتظار می‌رود بتوان ردی از این روایت را در کتب حدیث عامه مسلمانان گرفت. با این حال، حتی اشاره‌ای به آن را نمی‌توان در منابع عامه یافت. در هیچ یک از دو تحریر داستان هم اشاره‌ای به شگفتی مردم از یک چنین رویدادی نمی‌شود. به عکس، داستان طوری شرح داده می‌شود که گویی همگان وقوعش را انتظار داشته‌اند. حتی بیان خود راوی هم خالی از هرگونه اعجابی است. افزون بر این‌ها، عادتاً باید خبری چنین از صحابه بسیار، با طرق مختلف و دست‌کم در حد خبر مستفیض نقل می‌شد؛ چه، وقوع امر مهم و بزرگی در ملا عام، مستلزم نقل بسیار آن است و عالمان حدیث نیز بر این اصل عقلانی همواره تأکید نموده‌اند (نک: بستانی، ۱۳۸۶ش، ۲۳۷ به بعد).

چنان که گفتیم ابن شهر آشوب (د ۵۸۸ق) نیز تحریری از این خبر را به نحو مرسل با دو طریق روایت می‌کند (۱۹۵۶، ۲۳۲-۲۲۲)؛ یکی به نقل مرسل از شعبة بن حجاج، از قتاده بن دعامة، از انس بن مالک، از عباس بن عبد المطلب؛ و دیگری، به نقل مرسل از حسن بن محبوب از امام صادق (ع). اسناد دومی شبیه اسناد شیخ طوسی است؛ با این فرق که در نقل شیخ طوسی راوی

طریقِ منتهی به امام صادق (ع) ابراهیم بن علی است؛ نه حسن بن محبوب. در تحریر ابن شهر آشوب از یزید بن قعنب و جابر بن عبدالله انصاری در خبری مشتمل بر غرائب نقل می‌شود که راهبی به نام مثرم بن دعیب خدا را ۱۹۰ سال عبادت، و سپس دعا کرد ولی خدا را ببیند.... این‌گونه، چون زمان ولادت امام علی (ع) نزدیک شد، فاطمه به مسجدالحرام آمد و خدا را به فرزندی که در شکم دارد قسم داد ولادتش بر وی آسان کند. سپس خانه باز شد و فاطمه داخل رفت ... (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶م، ۲/ ۲۱-۲۳).

این خبر نیز مثل اخبار پیشین مرسل است. نیز، در آن تصریح به باز شدن دیوار نیست؛ اما ظاهراً باید این گونه فهمیده شود. عناصر این خبر حاصل آمیختگی چند روایت مختلف است؛ زیرا از سویی، شباهت‌های بسیار با حدیث ابن بابویه و شیخ طوسی دارد و از سویی دیگر، سخن از مثرم دارد که نام و داستانش در روایتی آمده است که از تولد علی (ع) در بیرون از کعبه خبر می‌دهد.

پ) تاریخ‌گذاری روایات

اگر بخواهیم با صرف‌نظر از نقدهای متوجه متن و سند روایات مختلف آن‌ها را برپایهٔ تاریخ کهن‌ترین منبع در بردارندهٔ هریک مرتب کنیم، سه روایت منقول در منابع سدهٔ چهارم رتبهٔ نخست را دارايند: روایت حاکی از ولادت امام علی (ع) در بیرون کعبه که در *اثبات الوصیة* درج شده بود، روایت دیگر همان اثر که خالی از غرائب بود و ولادت علی (ع) در کعبه با ورود به آن از درب را حکایت می‌کرد، خبر خصیبه (د ۳۵۸ق) که حکایتی غریب را از قول پیامبر اکرم (ص) در خطاب چند تن از صحابه هم‌چون ابوذر و مقداد و سلمان ذکر می‌کرد، و حکایت کنار رفتن دیوار کعبه برای ورود فاطمه بنت اسد که در *القاب الرسول وعترته* از نویسندگانی ناشناخته و آثار مختلف ابن بابویه (د ۳۸۱ق) نقل شده است.

دو خبر مندرج در *اثبات الوصیة* به نحوی هستند که می‌توان آن دو را با هم جمع کرد. خبر نویسندگانی ناشناختهٔ کتاب *القاب الرسول وعترته* نیز با خبر بعدی او که دلالت بر کنار رفتن دیوار هنگام ورود مادر امام (ع) دارد قابل جمع است. از سویی دیگر، دو تحریر از داستان که در آن‌ها به محل و نحوهٔ تولد امام (ع) اشاره می‌شود فقط در منابع شیعی ذکر شده‌اند؛ یعنی خبر تولد امام (ع) در خارج از کعبه — که در *اثبات الوصیة* آمده است و خصیبه (د ۳۵۸ق)، قتال (د ۵۰۸ق)، شاذان

بن جبرئیل (د ۶۰۰ق)، شَعیری (زنده در سده ۶ق)، و ابن طاووس (د ۶۶۴ق) آن را نقل کرده‌اند — و خبر تولد امام (ع) داخل کعبه با تصریح به کنار رفتن دیوار کعبه — که نویسنده ناشناخته سده چهارمی کتاب *القاب الرسول وعترته*، ابن بابویه (د ۳۸۱ق)، شیخ طوسی (د ۴۶۰ق)، و ابن شهر آشوب (د ۵۸۸ق) آن را آورده‌اند. هر دوی این تحریرها نیز — چنان که گذشت — مشتمل بر غرائب و عجائب اند.

یگانه روایت مندرج در منابع شیعیان و عامه هر دو، و در عین حال خالی از غرائب، حکایت تولد امام علی (ع) در کعبه با تصریح به ورود از درب آن است؛ همان روایت که دو مؤلف ناشناخته سده چهارمی یعنی مؤلفان *اثبات الوصیه و القاب الرسول وعترته* آن را نقل کرده‌اند، ابن مغزلی (د ۴۸۳ق) از عالمان عامی مذهب نیز آن را روایت نموده است و متن آن را در آثار عالمان شیعی متأخرتری هم چون کراجکی (د ۴۴۹ق)، فتال (د ۵۰۸ق) و ابن طاووس (د ۶۶۴ق) نیز می‌توان دید.

نتیجه

دیدیم به‌رغم اتفاق شیعیان بر ولادت علی (ع) در کعبه و شهرت این حکایت نزد عامه مسلمانان، برخی از روایت‌های مندرج در آثار شیعی دلالت بر تولد امام (ع) بیرون کعبه دارند؛ هم‌چنان که در برخی روایات دال بر تولد ایشان در کعبه هم سخن از شکافتن دیوار و ورود فاطمه بنت اسد از شکاف به درون کعبه نمی‌رود. نیز، دیدیم روایاتی که بر شکافته شدن دیوار کعبه دلالت دارند و نیز روایاتی که از تولد امام بیرون از کعبه سخن می‌گویند، فقط در میراث حدیثی شیعی دیده می‌شوند، عموم آن‌ها لبریز از عجائب و غرائب است، و بر پایه معیارهای سنتی علم حدیث از نظر متنی تضعیف می‌شوند. از آن‌سو، روایات حاکی از ولادت ایشان در کعبه با ورود از درب آن در منابع شیعیان و عامه هر دو دیده می‌شود و عموماً تهی از غرائب و عجائب است.

براین پایه، گرچه روایات حاکی از ورود فاطمه بنت اسد به کعبه از درب آن اسنادی منقطع دارند و مثل همه دیگر روایات یادشده دیگر با معیارهای علم رجال ضعیف ارزیابی می‌شوند، با نظر به محتوای‌شان از یک سو، و با نظر به شناخته بودن‌شان برای عالمان شیعه و عامه از ارزش تاریخی بیش‌تری برخوردار اند.

منابع

- ١- ابن ابى حاتم، عبدالرحمان بن محمد (١٣٧١ق)، *الجرح والتعديل*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- ٢- ابن بابويه (١٤١٧ق)، محمد بن على، *الامالى*، قم، بعثت.
- ٣- _____ (١٩٦٦م)، *علل الشرائع*، نجف، المطبعة الحيدرية.
- ٤- _____ (١٣٦١ش)، *معانى الاخبار*، به كوشش على اكبر غفارى، قم، جامعة مدرسين.
- ٥- ابن بطريق، يحيى بن حسن (١٤٠٧ق)، *العمدة*، قم، جامعة مدرسين.
- ٦- ابن جوزى، عبدالرحمان بن على (١٣٨٦ق)، *الموضوعات*، به كوشش عبدالرحمان محمد عثمان، مدينه، المكتبة السلفية.
- ٧- ابن حبان، محمد (١٣٩٣ق)، *الثقات*، حيدر آباد دكن، مؤسسة الكتب الثقافية.
- ٨- ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (١٣٩٠ق)، *لسان الميزان*، بيروت، اعلمى.
- ٩- ابن رستم طبرى، محمد بن على (١٤٢٩ق)، *بشارة المصطفى*، به كوشش جواد قيومى، قم، جامعة مدرسين.
- ١٠- ابن شهر آشوب، محمد بن على (١٩٥٦م)، *مناقب آل ابى طالب*، نجف، المطبعة الحيدرية.
- ١١- ابن صباغ، على بن محمد (١٤٢٢ق)، *الفصول المهمة*، به كوشش سامى غيرى، بيروت، دار الحديث.
- ١٢- ابن طاووس، على بن موسى (١٣٧١ق)، *الطرائف*، قم، خيام.
- ١٣- _____ (١٤١٣ق)، *اليقين*، قم، جزايرى.
- ١٤- ابن غضائرى، احمد بن حسين (١٤٢٢ق)، *الرجال*، به كوشش محمد رضا جلالى، قم، دار الحديث.
- ١٥- ابن مغازلى، على بن محمد (١٣٦٦ش)، *المناقب*، ترجمة محمد جواد مرعشى نجفى، قم، كتابخانه مرعشى.
- ١٦- اربلى، على بن عيسى (١٩٨٧م)، *كشف الغمة*، بيروت، دارالاضواء.
- ١٧- امام الحرمین جوینى، عبدالملك بن عبدالله (بى تا)، *التلخيص*، به كوشش عبدالله جولم نبالى و بشير احمد عمرى، بيروت، دارالبشائر.
- ١٨- امين، محسن (بى تا)، *اعيان الشيعة*، به كوشش حسن امين، بيروت، دارالتعارف.

- ١٩- امینی، عبدالحسین (١٩٧٧م)، *الغدیر*، بیروت، دارالکتب العربی.
- ٢٠- باقلانی، محمد بن طیب (١٤٠٧ق)، *تمهید الاوائل*، به کوشش عمادالدین احمد حیدر، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیة.
- ٢١- بحرانی، هاشم (١٤١٣ق)، *مدینة المعاجز*، به کوشش عزت الله مولایی، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة.
- ٢٢- بروجردی، علی (١٤١٠ق)، *طرائف المقال*، به کوشش مهدی رجائی، قم، کتابخانه مرعشی.
- ٢٣- بستانی، قاسم (١٣٨٦ش)، *معیارهای شناخت احادیث ساختگی*، اهواز، رَسْش.
- ٢٤- بغدادی، اسماعیل پاشا (بی تا)، *ایضاح المکنون*، به کوشش محمد شرف الدین یالتقایا و رفعت بیلگه الکلیسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ٢٥- پاکتچی، احمد (١٣٨٢ش)، *مولد امیر المؤمنین (ع)*، قم، بنیاد نهج البلاغه.
- ٢٦- جعفریان، رسول (١٣٩٣ش)، *منابع تاریخ اسلام*، تهران، نشر علم.
- ٢٧- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (١٤٢٢ق)، *المستدرک*، بیروت، دارالفکر.
- ٢٨- حسن نیا، علی و ترجمان، مکارم (١٣٨٥ش)، «ترحم و ترضی»، *حدیث اندیشه*، شماره دوم.
- ٢٩- حلبی، علی بن برهان الدین (١٤٠٠ق)، *السیرة*، بیروت، دارالمعرفة.
- ٣٠- خصیبی، حسین بن حمدان (١٩٩١م)، *الهدایة الکبری*، بیروت، البلاغ.
- ٣١- خطیب بغدادی، احمد بن علی (١٤١٧ق)، *تاریخ بغداد*، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ٣٢- خویی، ابوالقاسم (١٩٩٢م)، *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
- ٣٣- دارقطنی، علی بن عمر (١٤٠٤ق)، *السؤالات عن الحاکم النیسابوری*، به کوشش موفق بن عبدالله، ریاض، مکتبة العارف.
- ٣٤- ذهبی، محمد بن احمد (بی تا)، *میزان الاعتدال*، به کوشش علی محمد بجاوی، بیروت، دارالمعرفة.
- ٣٥- _____ (١٤١٨ق)، *المغنی فی الضعفاء*، به کوشش ابوالزهراء حازم قاضی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ٣٦- سبط ابن جوزی، یوسف بن عبدالرحمان (١٤٠١ق)، *تذکرة الخواص*، بیروت، مؤسسة

اهل البيت.

- ٣٧- شاذان بن جبرئيل قمى (١٩٦٢م)، *الفضائل*، نجف، المطبعة الحيدرية.
- ٣٨- شريف رضى، محمد بن حسين (١٤٠٦ق)، *خصائص الائمة*، به كوشش محمدهادى امينى، مشهد، بنياد پژوهشهاى اسلامى آستان قدس رضى.
- ٣٩- شعيرى، محمد بن محمد (بى تا)، *جامع الاخبار*، نجف، المكتبة الحيدرية.
- ٤٠- شيخ طوسى، محمد بن حسن (١٤١٤ق)، *الامالى*، به كوشش مؤسسة البعثة قسم الدراسات الاسلامية، قم، دارالثقافة.
- ٤١- _____ (١٣٦٥ش)، *التهديب*، به كوشش حسن موسى خراسان، تهران، اسلاميه.
- ٤٢- _____ (١٤١٧ق)، *الفهرست*، به كوشش جواد قيومى، قم، فقاهت.
- ٤٣- _____ (١٤١٥ق)، *الرجال*، به كوشش جواد قيومى، قم، جامعة مدرسين.
- ٤٤- علامه حلى، حسن بن يوسف (١٤١٧ق)، *خلاصة الاقوال*، به كوشش جواد قيومى، قم، جامعة مدرسين.
- ٤٥- علائى، خليل بن كيكلى (١٤٠٧ق)، *جامع التحصيل*، به كوشش حمدى عبدالمجيد سلفى، بيروت، عالم الكتب.
- ٤٦- فتال، محمد بن حسن (بى تا)، *روضه الواعظين*، به كوشش محمد حسن خراسان، قم، شريف رضى.
- ٤٧- قاريان، حسين و جبارى، محمدرضا (١٣٩٤ش)، «بررسى انتساب كتاب *اثبات الوصية* به مسعودى»، *تاريخ اسلام*، شماره ٦١.
- ٤٨- كراجكى، محمد بن على (١٤١٠ق)، *كنز الفوائد*، قم، مصطفوى.
- ٤٩- كشى، محمد بن عمر (١٤٠٤ق)، *معرفة الرجال*، اختيار شيخ طوسى، به كوشش مهدي رجائى، قم، مؤسسة آل البيت.
- ٥٠- كنجى، محمد بن يوسف (١٣٦٢ش)، *كفاية الطالب*، تهران، دار احياء تراث اهل البيت (ع).
- ٥١- مجلسى، محمد باقر (١٩٨٣م)، *بحار الانوار*، بيروت، مؤسسة الوفاء.
- ٥٢- مرعشى، نور الله (بى تا)، *شرح احقاق الحق*، به كوشش ابراهيم ميانجى، قم، كتابخانه مرعشى.
- ٥٣- *اثبات الوصية* (١٣٨٤ش)، منسوب به على بن حسين مسعودى، قم، انصاريان.
- ٥٤- مسلمى، محمد مهدي و ديگران (٢٠٠١م)، *اقوال ابى الحسن الدارقطنى*، بيروت، عالم الكتب.

- ۵۵- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *الارشاد*، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- ۵۶- مهروش، فرهنگ (۱۳۸۸ش)، «محمد بن احمد شیبانی...»، *حدیث پژوهی*، شماره ۲.
- ۵۷- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق)، *الرجال*، قم، جامعه مدرسین.
- ۵۸- نمازی، علی (۱۴۱۲ق)، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، تهران، نشر فرزند مؤلف.
- ۵۹- نویسنده ناشناخته (۱۴۰۶ق)، *لقاب الرسول وعترته*، قم، کتابخانه مرعشی.